گزارش فرهنگیاری

حقوق عرفی کشت در خور بیابانک

لسان‌الحق طباطبایی[1]

چکیده

در تقویم کشاورزی مردم خور بیابانک روز پانزدهم مرداد، سرآغاز صیفی‌کاری از جمله شلغم است که این امر با آداب ویژه‌ای جشن گرفته می‌شود. مقاله حاضر با تکیه بر مشاهدات مشارکتی نگارنده و تحقیق میدانی پیرامون این موضوع شکل گرفته و سعی شده است ضمن بیان ایرادات پژوهش‌های پیشین درخصوص این موضوع، توصیف دقیقی از این آئین ارائه شود و قواعد عرفی و حقوقی و اعتقادات و باورهای جشن کاشت شلغم بررسی و ارائه گردد.

کلیدواژه‌ها: آیین، عرف، خور بیابانک، بُنابداری

۱. کارشناسی‌ارشد حقوق، قصه‌پژوه و پژوهشگر فرهنگ مردم، رایانامه: La.tabatabaee@gmail.com

جشن کاشت گیاه شلغم

در فرهنگ مردم خور بیابانک، عبارت «آب به تخم شلغم بستن» اصطلاحی است که به مراسم آغاز کشت شلغم اطلاق می‌شود (یغمایی، ۱۳۹۱: ۱٤۰). مراسم آغازین کشت گیاه شلغم یکی از جشن‌های وابسته به کار کشت و کشاورزی است که بر پایه میثاق نانوشته‌ای میان دارندگان حقابه به آیینی ویژه با مشارکت شماری از کشاورزان، برزیگران، ذوالحقوق آب کشتکاری، مالکین اراضی مزروعی، بزرگان و افراد سایر صنوف و اقشار مردم محل و روحانی دارای نسب سیادت، بنا به دعوت میزبان، در یکی از کشتخوان‌های خور بیابانک و یا همزمان در هر دو کشتخوان[۱] «کلاغو»[۲] و «دهزیر»[۳]، در روز پانزدهم مردادماه، پیش از بر آمدن آفتاب برگزار می‌شود.[٤] به مراسمی که در این روز به مناسبت آغاز کشت شلغم برگزار می‌شود، جشن «اولین آب شلغم» نیز گفته می‌شود (هنری، ۱۳۸۱: ۱۹). همچنین، مدت زمانی را که پس از جشن اولین آب شلغم، کشاورزان به کاشت بذر شلغم اشتغال دارند و ممکن است به اقتضای آب و هوای محل تا یک ماه و نیم به درازا بینجامد را موسم و فصل «شلغم کار» می‌گویند[۵] (یغمایی، ۱۳۷۰: ٤۰۳: نویین و محبی، ۱۳۷۸: ۱۰۰) و این زمان آغاز مدت اجاره آب و ملک نیز محسوب می‌شود. روز جشن اولین آب شلغم در تقویم کشاورزی خور بیابانک و بر زبان مردم محل به روز «چهار ماه و نیم» معروف است، به عبارت دیگر

---

۱. این دو کشتخوان بزرگ، از دو قنات به همین نام «کلاغو و دهزیر» آبیاری می‌شود، کمتر دیده شده است که مراسم اولین آب شلغم در هر دو کشتخوان برگزار شود (در سال ۱۳۷٦ در هر دو کشتخوان برگزار شد.)

2. kalâqu

3. dehzir

٤. این تاریخ علاوه بر تحقیقات میدانی نگارنده در یغمایی (۱۳۹۱) و فرسیو (۱۳۷٦) نیز درج شده است. نویین و محبی (۱۳۷۸)، زمان برگزاری جشن اولین آب شلغم را پانزدهم امردادماه هر سال همزمان با طلوع خورشید ضبط کرده‌اند. یغمایی (۱۳۷۰)، دهم مردادماه ذکر کرده که خلاف واقع است. امید است اشتباه مطبعی باشد. افشار (۱۳۵۰)، چهار ماه و نیم پس از نوروز و به حساب ایام قمری آورده است. بنابر تحقیقات نگارنده و با استناد به تقویم کشاورزی مردم خور بیابانک که بر پایه سال خورشیدی است، این محاسبه نیز صحت ندارد.

۵. سند اجاره مورخ پانزدهم ربیع‌الاول سال یک هزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری که به موجب آن ابتدای مدت اجاره از اول فصل شلغم کار تعیین شده است.

چهار ماه و نیم از نوروز گذشته روز برگزاری مراسم آغازین کاشت گیاه شلغم است. با این وصف ماه سی روز محاسبه می‌شود و همواره روز پانزدهم مردادماه به آیین جشن شلغم اختصاص دارد.

از پیشینه جشن اولین آب شلغم در خور بیابانک آگاهی مستندی در دست نیست. کهنسالان امروز و سالخوردگان پنجاه سال پیش، از آن چه خود به چشم دیده‌اند و نیز از پدرانشان شنیده‌اند، قدمت این جشن را به یک و نیم سده گذشته برده و آن را رسمی قدیم می‌دانند که از نیاکانشان به یادگار مانده است و در درازای زمان به همان شیوه پیشین و همان مهر و نشان دیرینه پا بر جای قرار دارد.[1] (افشار، ۱۳۵۰: ۳۶۹)

نشانه‌هایی در دست است که برگزاری آیین آغازین کشت بذر شلغم در دیگر روستاهای منطقه خور بیابانک، مانند بیاذه، مهرجان، و اردیب مرسوم و معمول بوده است و امروزه علاوه بر خور بیابانک در فرّخی نیز این جشن برگزار می‌شود. تنها تغییر صورت‌گرفته در اجرای مراسم شیوه پذیرایی از مهمانان است که به صورت ایستاده انجام می‌شود.

بنا به عقیده برخی کشاورزان و اهالی خور بیابانک، مراسم «آب به تخم شلغم بستن» به مناسبت فرارسیدن موسم کشت جو و اهمیت این غلّه در سبد غذایی مردم این دیار برگزار می‌شود. کشتکاری بذر جو و شلغم در این منطقه به طور همزمان است و زمان کشت شلغم انجام می‌شود. به این صورت که در روز پانزدهم امردادماه هر سال، در زمینی که به منظور کاشت بذر شلغم آماده شده است، ابتدا چهار بر کشتگاه را بذر جو می‌کارند و سپس میانه زمین را بذر شلغم می‌افشانند. برخی هم بر این باور هستند که کاشتن بذر جو، در روز جشن اولین آب شلغم پیرامون کشتگاه یا کرت شلغم، آراستن کشتگاه شلغم است (فرسیو، ۱۳۷۶: ۱۰۱) و کاشت جو زمانی دیگر پس از کاشت شلغم معمول است.[2] افزون بر این، کاشت جو پیرامون کشتگاه شلغم، نهوژ نام

---

۱. شایگان. (۱۳۷۷) یکی از پژوهشگران بومی است که ویژگی مهم این جشن را، دارا بودن «انگ و رنگ کامل از آیین‌های زردشتی» به دلیل «تقارن آفتاب، آب و افشاندن بذر» می‌داند.

۲. تحقیقات میدانی در روستای اُریب نشان می‌دهد که برخی واژه «نهوژ» (nohuž) را مرکب از عدد ۹ «هوژ» (huž) می‌دانند که در گویش خوری به معنی نُه خوشه معنا می‌دهد. آنان بر این باورند که تعداد ۹ دانه جو در کناره کشتگاه شلغم

دارد و نهوژ را پس از سبز شدن و اندکی رشد، پیش از آن که خوشه دهد، چیده و به مصرف دام می‌رسانند و آن چه بر زمین می‌ماند گیاه شلغم است که رفته رفته سر از خاک بیرون می‌آورد و کشتگاه به نام «زمین شلغم» نامیده می‌شود. بر این باور خود نیز می‌افزایند که گیاه شلغم در تغذیه مردم خور و بیابانک دارای اهمیت خاص است، چرا که برگ و ریشه آن خوراک صبحگاهی هر روزه مردم در زمستان است که خاصیت دارویی و ضدسرماخوردگی دارد.[1] همچنین می‌افزایند که شلغم زودتر از جو به ثمر می‌رسد و زمان کشت آن پیش از کاشت جو می‌باشد، جو را در اردیبهشت ماه سال بعد درو می‌کنند و از آن سود می‌برند. کاشت شلغم در مرداد و برداشت آن در زمستان است. به همین دلیل دسترسی به برگ و ریشه آن در زمستان برای تهیه خوراکی‌های گوناگون فراهم می‌شود.

هر چند که این دو نظر متفاوت بر پایه اهمیت هر دو گیاه شلغم و جو، در زندگی مردم خور بیابانک تأکید دارد، لیکن همزمانی کشت نخستین دانه جو و شلغم و نیز کاشت هر دو بذر در یک کشتگاه، با نگرش به وجود رشته‌های نیرومند نمودهای آبادگری، امیدآفرینی، شادی‌بخشی، به افزونی و سپاسگزاری در فرهنگ و زندگی مردم جوامع مبتنی بر اقتصاد کشاورزی، نه تنها اندیشه برتری یکی از این دو دانه ارزشمند را بر دیگری پدید نمی‌آورد بلکه دریچه‌ای از فضیلت ارج‌گذاری به روی ما می‌گشاید که از روح همبستگی و تعاون میان برزیگران و کشاورزان سرچشمه می‌گیرد و این فضیلت را در تبیین آداب و قواعد و توصیف جشن اولین آب شلغم، آشکار نمایان می‌کند.

کاشته می‌شود. برابر تحقیقات نگارنده این نظر مقرون به صحت و واقع نیست زیرا در پرسش‌های مکرر از کشاورزان و برزیگران چنین چیزی به دست نیامده است. نگارنده بر این گمان نزدیک به یقین است که کلمه نهوژ، مرکب از پیشوند نفی نَه، و کلمه «هوژ» به گویش خوری است که در ترکیب معنای «بی‌خوشه» را به خود گرفته است. در عمل هم واژه نهوژ به بوته سبز جو که پیش از درآوردن خوشه و سنبله از زمین جدا شود اطلاق می‌گردد.

۱. آش «شولی» (šuli) در تمام نقاط شهرستان خور و بیابانک و «جوشواره» (jušvâra) در جندق، خوراک‌هایی است که از برگ گیاه شلغم تهیه می‌شود. درباره خواص دارویی برگ و ریشه شلغم، داستانی بر زبان مردم خور بیابانک نقل است: زمانی مردم از حکومت وقت درخواست طبیب کردند. دولت اجابت و طبیبی عزیمت کرد. چون نزدیک آبادی رسید، برگی شلغم افتاده بر کناره راه دید، از همان جا به راهی که آمده بود بازگشت. سبب پرسیدند؟ طبیب پاسخ داد: مردم این آبادی شلغم می‌کارند و می‌خورند، آنان را نیاز به طبیب و داروی دیگر نیست.

آداب و قواعد جشن شلغم‌کاری

آیین «آب به تخم شلغم بستن» مبتنی بر قواعد الزام‌آور، در میثاق و پیمان نانوشته، بر پایه باورها و اعتقادات دینی و مناسبات اجتماعی، میان مالکین آب است. قواعد و آدابی که در اجرای آیین جشن اولین آب شلغم به وجه ملزم، مراعات می‌شود عبارت است از:

ـ ممنوعیت کشت بذر شلغم قبل از زمان مقرر

براساس این قاعده، فردی از کشاورزان و دارندگان حقابه، مجاز به کشت بذر شلغم پیش از برگزاری مراسم اولین آب شلغم نیست. به عبارت دیگر حق کاشتن شلغم قبل از روز پانزدهم مردادماه برای همگان اعم از کشاورزان، زمین‌داران و دارندگان حقابه ممنوع است. این ممنوعیت به دلیل رعایت حق تقدم فردی است که مجاز در کشت اولین بذر شلغم و برگزاری مراسم وابسته به آن در زمان معین است.

ـ تعلق حق کاشتن اولین بذر شلغم به مالکین بناب[1]

کشت اولین بذر شلغم و برگزاری مراسم آن، متعلق به «بنابداران»[2] است. تقدم در اعمال این حق با بنابداری است که افزون بر دارا بودن بُناب دارای آب نیز باشد و نوبت آبیاری او در ابتدای زمان نیمروز صبح پانزدهم مردادماه قرار گرفته باشد.[3]

ـ انتقال حق کاشت اولین بذر شلغم و برگزاری آیین وابسته

حق کاشت اولین بذر شلغم، وابسته به حق مالکیت بُناب است و انتقال جز با انتقال قطعی عین امکان‌پذیر نیست.[4] به عبارت دیگر عقد اجاره و سایر عقودی که نتیجه عقد

---

1. bonâb

2. bonâbdârân

۳. آب دو قنات پیش‌گفته خور بیابانک، در گردش چهارده شبانه‌روز، و هر شبانه‌روز چهار نیمروز به نام‌های صبح، ایواره، سرشب و آخرشب است. زمان و میزان آب در نیمروز سرشب همواره ثابت است. طول زمان دو نیمروز ایواره و آخرشب در فصول چهارگانه سال متغیر است. میزان آبی که در اثر کوتاه و بلند شدن زمان این دو نیمروز در چهار فصل سال به آب نیمروزهای صبح، ایواره و آخرشب می‌پیوندد «بناب» نامیده می‌شود.

٤. منشأ امر در نظام ارباب و رعیتی است.

بیع را ندهد و یا به انتقال قطعی نینجامد، موجب انتقال این حق به مستأجر یا منتقل‌الیه غیرقطعی نمی‌شود مگر به اراده دارنده بُناب.

از قواعد سه‌گانه پیش‌گفته، الزام بُنابدار به کاشتن تخم شلغم و جو و برگزاری مراسم وابسته در روز پانزدهم امرداد هر سال پدید می‌آید و او بر این الزام، موظف می‌شود که خود به کار اولین آب شلغم اقدام و رسم مرسوم را برگزار نماید، پذیرایی[1] از مهمانان را به جای آورد، و چنانچه بنا به معاذیری از قبیل عدم حضور در محل و یا عدم امکانات مالی در جهت تأمین مخارج مراسم، نتواند به تکلیف و تعهد خود عمل نماید حق خود را به شریک یا شرکاء بُناب واگذار می‌نماید[2] و یا برای انجام امر، به دیگری نیابت می‌دهد یا برای تدارک مراسم یاری‌رسانان را می‌خواند.

بُنابداری که بنا دارد در روز مقرر آب به تخم شلغم ببندد و مراسم جشن شلغم را برگزار نماید، موظف است روز پیشین کشاورزان را خبر دهد، آبکش (آبیار) را آگاه کند، پیشوای دینی و علمای روحانی و بزرگان محل را دعوت کند و با تدارک وسایل برگزاری مراسم چون فرش و زیرانداز و تهیه نانی تازه به نام «تفتان»[3] و البته فراهم آوردن بذر شلغم و جو و ادوات کشت و زرع، خود را برای میزبانی آماده کند.

در روز موعود، پس از اذان صبح، میزبان به کمک اقوام و خویشاوندان خود، یک یا دو کرت جنب زمینی را که قرار است در آن شلغم بکارد مفروش می‌کند و آماده پذیرایی می‌شود. مهمانان، خود می‌دانند که پیش از بر آمدن آفتاب می‌باید در محل کشت حاضر شوند. آنان به سوی کشتخوان روانه می‌شوند و پس از رسیدن به کشتگاه در جایگاه می‌نشینند. در این زمان کشاورز میزبان به کمک یکی دیگر از کشاورزان خویشاوند و یا دوستان خود زمینی را که پیش از آن شخم زده است هموار می‌کند تا آب بتواند به آسانی تا انتهای زمین پیش برود. همزمان آبکش آب را به سوی کشتگاه

---

۱. «... چون آن کشاورز اولین کسی است که در سال جدید، بذر شلغم و جو را به کشتزار می‌آورد، رسم است که به میزبانی بر سر کشتگاه خویش سفره‌ای بگسترد و مردم را با نان تازه پذیرایی کند.» (شایگان، ۱۳۷۷: ٦٢٩)

۲. پیش آمده است که دیگری تقبل مخارج مراسم را به عهده گرفته است. در سال‌های اخیر نذر هم واقع شده است.

۳. گرده نانی است به قطر سی سانتیمتر و ضخامت دو سانتیمتر، روی آن به روغن حیوانی یا پیه ذوب شده گوسفند و زردچوبه و گاه زعفران آغشته است. تفتانی که میزبان در روز جشن شلغم، فراهم می‌کند زردچوبه و زعفران ندارد.

می‌گرداند تا زمان بر آمدن آفتاب که آغاز نیمروز صبح در تقسیمات آب‌سنجی است آب بر زمین آماده کشت شلغم روان گردد. در این وقت کشاورزی که کیسه بذر شلغم و جو را در دست دارد نزد پیشوای مذهبی دارای سیادت[1] حاضر در کشتگاه می‌برد تا دعای برکت بر آن بذرها بخواند. پیشوای مذهبی، از کیسه بذر چند دانه برمی‌دارد و پس از قرائت سوره حمد، آیات پنجاه و هفت تا شصت و پنج سوره واقعه را بر آن چند دانه نجوا می‌کند، سپس در کیسه بذر می‌ریزد و پس از صلوات حاضرین به دست کشاورز می‌سپارد. آن کشاورز نیز، بیلی به دست پیشوای مذهبی می‌دهد تا ابتدا به دست او چند دانه بذر جو در کناره زمین و چند دانه تخم شلغم در میانه زمین کاشته شود. همزمان چاووش‌خوان، با مشاهده جریان آب و نزدیک شدن آب به زمین کشتگاه، دست بر گونه می‌نهد و ابیات زیر را چاووشی می‌کند:

اول هر کار بسم‌الله الرحمن الرحیم — لعنت حق باد بر شیطان رجیم
ما که چون عزم کربلا کردیم — طلب نصرت از خدا کردیم

و در این زمان همگان با صدای بلند بر پیامبر اکرم، حضرت محمد صلی‌الله علیه و سلم، صلوات می‌فرستند. برزیگر در حالی که کیسه بذر را به دامان پیراهن خود گره زده و آویزان کرده است به بذرافشانی می‌پردازد و چاووشی‌خوان نیز با خواندن ابیات

---

۱. «... پس از پذیرایی، مراسم با صلوات و دعا و طلب خیر به پایان می‌رسید. هنگامی که روحانی آبادی از زمین خارج می‌شد، یکی از کشاورزان لباده خود را جمع می‌کرد، به دست می‌گرفت، در آن تخم شلغم می‌ریخت، حرکت می‌کرد و بذر شلغم را بر زمین می‌افشاند. چاووش‌خوان در این حال ابیاتی می‌خواند:

ای دل به کجا روی که در شهر نجف — فریادرس هر دو سرا در نجف است
خواهی که مس وجود تو زر گردد — خود را برسان که کیمیا در نجف است
هر کس که به خاک کربلا زار افتد — حاشا که به محشرش سر و کار افتد

با پایان کار بذرافشانی و آبیاری، مردمی که در آن جا حاضر بودند، صلوات می‌فرستادند و چاووش‌خوان با صدای بلند و یکنواخت چاووشی می‌خواند و مردم نیز با صدای بلند صلوات می‌فرستادند. (فرسیو، ۱۳۷۶)

دیگر که همان چاووشی یا به زبان محل «چوشی»[1]هایی است کـه چـاووش‌خوانـان در آیین‌های سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و اصحاب وی در ماه محرم‌الحـرام و یا در مراسم پیشواز و مشایعت زوار بیت‌الله الحـرام و زایـرین کـربلای معلـی و مشـهد مقدس می‌خوانند، چاووشی را تا پایان کار بذرافشـانی و آب‌رسـانی بـه کشـتگاه ادامـه می‌دهند.

زمانی که بذرافشانی یک کرت به پایان رسید و آبکش آب را به بُـن زمـین رسـانید، کار اولین آب شلغم به آخر می‌رسد. در این زمان، میزبان در مقابل هر یـک از مهمانـان، گرده نانی را که تفتان نام دارد روی سفره قرار می‌دهد تا میـل کننـد و بـه ایـن‌گونـه از مهمانان پذیرایی می‌نماید. پس از صرف نان مراسم اولین آب شلغم که نزدیک بـه یـک ساعت و نیم به طول مـی‌انجامـد بـا صـلوات و طلـب خیـر و برکـت حاضـرین پایـان می‌پذیرد و از این پس همگان در کاشت شلغم مجاز و مختار خواهند بود.

اعتقادات و باورهای جشن شلغم

روز برگزاری جشن اولین آب شلغم یا روز چهار ماه و نیم که همـان روز پـانزدهم مرداد است، در تقویم کشاورزی خور بیابانک، مبدأ موسم کاشت دانه جو و شلغم و نیز آغاز دگرگونی تدریجی در هوای اقلیم آنجا محسوب می‌شود. مـردم در روزهـای داغ و سوزان تابستان که گاه به پنجاه درجه سانتیگراد می‌رسد فرارسیدن روز چهار مـاه و نـیم را آرزو می‌کنند، زیرا در باور آنان از این روز از شدت گرما کاسته می‌شود و هـوا رفتـه رفته خنک‌تر می‌شود.

از باورهای دیگر در این روز دیده شدن غوزه گیاه پنبه در اراضی زیر کشت پنبه است.

همچنین آنها باور دارند که در روز جشن اولین آب شلغم دستکم یک دانـه کلـوخ[2] خوشه یکی از نخیلات، خرما می‌شود یا به عبارت دیگر خرما بر نخیلات، اندک انـدک پدیدار می‌شود.

---

1. Čowši
2. kolux

مردم حاضر در این مراسم از نان تفتان به نیت تبرک تکه‌ای برای اهل خانه می‌آورند.

تفتان این مراسم را به زعفران یا زردچوبه آغشته نمی‌کنند تا زرد شود، زیرا می‌گویند آفت زردی (زنگ غلات) بر محصولات می‌افتد.

برای اجرای مراسم باورهای دیگری هم وجود دارد مثلاً این‌که بنابداری که در روز اولین آب شلغم می‌خواهد مراسم را برگزار کند می‌بایست راستگو و درستکار باشد یا پیشوای دینی که بر بذر شلغم و جو دعا می‌خواند می‌باید از تبار سادات باشد و اگر پیشوای دینی سید نباشد روحانی دیگری از سادات، دعا را بر بذر می‌خواند.

منابع

افشار، حاج علی (۱۳۵۰). «آداب شلغم‌کاری»، **مجله یغما**، س ٢٤، ش ٦.

شایگان، محمد (۱۳۷۷). «منظومه‌ای به گویش خوری»، **نامه اقبال**، صص ٦٢٠ـ٦٠١، به کوشش سیدعلی آلداود، تهران: هیرمند.

فرسیو، سهراب (١٣٧٦). «مراسم جشن اولین آب شلغم در خور». **گزارش پژوهشی**. تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما.

نویین، بهروز و مرتضی محبی (۱۳۷۸). **جغرافیای خور**، اصفهان: فلاحت ایران.

هنری، مرتضی (۱۳۸۱). «اکولوژی فرهنگی؛ نگرشی نو به فرهنگ مردم و محیط‌زیست»، **فصلنامه فرهنگ مردم**، س ۱، ش ۲، صص ٢٦ـ١١.

یغمایی، ابوالقاسم طغرا (۱۳۹۱). **از خور و روزگاران، طغرا نوشت**. زنجان: آذرکلک.

یغمایی، عبدالکریم حکمت (۱۳۷۰). **بر ساحل کویر نمک**، تهران: توس.